

## چالش‌ها و موانع مدیریت شهری در خصوص آماده سازی و تاب‌آوری شهری در مواجهه با جنگ

حمیدرضا عسگری

کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور اصفهان

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی چالش‌ها و موانع مدیریت شهری در خصوص آماده سازی و تاب‌آوری شهری در مواجهه با جنگ انجام شد. روش تحقیق کتابخانه‌ای با استفاده از کتب، مقالات، پایان نامه‌ها و... انجام گرفت. نتایج نشان داد چالش‌ها و موانع مدیریت شهری در زمینه آماده سازی و تاب‌آوری شهری در مواجهه با جنگ عبارتند از نبود ساختار سازمانی تخصصی و دائمی برای مدیریت بحران، وابستگی شدید به منابع مالی ناپایدار و محدود، کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده در حوزه‌های مدیریت بحران و فناوری‌های نوین، ضعف در هماهنگی و همکاری بین نهادهای با سازمان‌های ذی‌ربط، خلأهای قانونی و نبود تکالیف روشن برای شهرداری‌ها در زمینه پدافند غیرعامل و تاب‌آوری، ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و سیستم‌های هشدار سریع شهری، عدم بهره‌مندی مؤثر از داده‌های مکانی و سامانه‌های GIS در مدیریت بحران، کمبود فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی مستمر برای شهروندان درباره آمادگی در برابر بحران‌ها، ضعف در برنامه‌ریزی بلندمدت و نبود اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری شهری، محدودیت تجهیزات و ناوگان خدماتی مناسب برای شرایط اضطراری، کمبود ذخیره‌سازی منابع حیاتی مانند آب، سوخت و تجهیزات حفاظتی در سطح شهری، ناکارآمدی نظام اطلاع‌رسانی و مدیریت ارتباطات در شرایط بحران، کمبود پایش مستمر ریسک‌ها و ارزیابی آسیب‌پذیری شهری به صورت علمی و منظم، محدودیت مشارکت مردمی و استفاده ناکافی از ظرفیت‌های محله‌ای و نهادهای مدنی و ضعف در مدیریت بحران‌های هم‌زمان و پیچیده مانند جنگ و بلایای طبیعی.

واژه‌های کلیدی: چالش، موانع، مدیریت شهری، تاب‌آوری، جنگ

## مقدمه

مدیریت شهری به عنوان یک فرایند پیچیده و چندوجهی، در مواجهه با چالش‌ها و موانع متعددی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، آماده‌سازی و تاب‌آوری شهری در برابر بحران‌ها و جنگ‌ها است. در دنیای امروز، با توجه به افزایش تنش‌های سیاسی و نظامی، شهرها به عنوان مراکز تجمع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، بیشتر از هر زمان دیگری در معرض خطرات ناشی از جنگ و بحران‌های اجتماعی قرار دارند. این وضعیت نیازمند رویکردهای نوین و مؤثر در مدیریت شهری است تا بتوان به بهبود تاب‌آوری و آمادگی شهرها در برابر این چالش‌ها دست یافت. چالش‌های مدیریت شهری در این زمینه شامل کمبود منابع مالی، عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، ضعف در برنامه‌ریزی و طراحی زیرساخت‌ها و همچنین فقدان آگاهی و مشارکت عمومی است. این موانع می‌توانند به کاهش کارایی برنامه‌های تاب‌آوری و آماده‌سازی منجر شوند و در نتیجه، آسیب‌پذیری شهرها را در برابر بحران‌ها افزایش دهند. علاوه بر این، مدیریت بحران در شرایط جنگی نیازمند توجه به ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی است. ایجاد زیرساخت‌های مقاوم، توسعه برنامه‌های آموزشی و افزایش آگاهی عمومی از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به تقویت تاب‌آوری شهری کمک کنند. لذا در این مقاله، به بررسی دقیق‌تر چالش‌ها و موانع مدیریت شهری در خصوص آماده‌سازی و تاب‌آوری شهری در مواجهه با جنگ پرداخته می‌شود.

## اهمیت مدیریت شهری و آماده‌سازی شهرها در مواجهه با جنگ

مدیریت شهری به‌عنوان نهادی راهبردی در اداره و سازماندهی حیات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرها، نقشی بسیار مهم در ارتقای تاب‌آوری شهری در برابر بحران‌ها دارد. یکی از جدی‌ترین بحران‌هایی که می‌تواند یک شهر را با چالش‌های گسترده روبه‌رو سازد، جنگ و درگیری‌های نظامی است. جنگ نه تنها امنیت فیزیکی شهروندان را تهدید می‌کند، بلکه زیرساخت‌های حیاتی شهر از جمله شبکه آب و برق، حمل‌ونقل عمومی، بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی و تأسیسات اقتصادی را با خطر تخریب یا از کار افتادگی مواجه می‌سازد. اهمیت مدیریت شهری در این زمینه از آن جهت است که آمادگی شهر برای مواجهه با جنگ، میزان خسارت‌ها و تلفات انسانی را به شکل چشمگیری کاهش می‌دهد. یک شهر بدون برنامه‌ریزی قبلی و مدیریت منسجم، در شرایط جنگی دچار آشفتگی، فروپاشی خدمات عمومی و بحران اجتماعی می‌شود؛ در حالی که شهری که دارای برنامه‌های پدافند غیرعامل، زیرساخت‌های مقاوم، پناهگاه‌های ایمن و طرح‌های جامع امدادسانی است، می‌تواند تداوم خدمات اساسی را تضمین کرده و روحیه و امنیت روانی شهروندان را حفظ نماید. از سوی دیگر، مدیریت شهری در زمان جنگ فقط به بعد کالبدی و فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه شامل ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز هست. آموزش شهروندان در زمینه واکنش مناسب به شرایط اضطراری، تقویت همبستگی اجتماعی، جلب مشارکت مردمی و توسعه فرهنگ تاب‌آوری، بخش مهمی از این آمادگی به شمار می‌رود. همچنین ذخیره‌سازی منابع ضروری همچون غذا، دارو و تجهیزات امدادی در مقیاس شهری، و ایجاد شبکه‌های جایگزین برای ارائه خدمات، اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین، اهمیت مدیریت شهری در آماده‌سازی شهرها در مواجهه با جنگ را می‌توان در سه سطح خلاصه کرد:

۱. کاهش خسارت‌ها و تلفات انسانی از طریق مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها و برنامه‌ریزی ایمنی.

۲. تضمین تداوم خدمات حیاتی شهری مانند آب، برق، درمان و حمل‌ونقل.

۳. حفظ انسجام اجتماعی و امنیت روانی شهروندان از طریق آموزش، اطلاع‌رسانی و مشارکت مردمی.

به طور کلی، شهرهایی که با نگاه آینده‌نگرانه و علمی به مدیریت بحران و پدافند غیرعامل توجه دارند، در شرایط جنگی آسیب‌پذیری کمتری داشته و پس از بحران نیز سریع‌تر قادر به بازسازی و بازگشت به وضعیت پایدار خواهند بود. از این رو،

مدیریت شهری و آماده‌سازی شهرها در مواجهه با جنگ نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی حیاتی برای تضمین امنیت، پایداری و حیات شهری است.

### اهمیت مدیریت شهری و تاب‌آوری شهرها در مواجهه با جنگ

شهرها به‌عنوان مراکز اصلی تمرکز جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، همواره در معرض تهدیدهای طبیعی و انسانی قرار دارند. در میان این تهدیدها، جنگ و درگیری‌های نظامی یکی از جدی‌ترین و مخرب‌ترین بحران‌هایی است که می‌تواند بنیان‌های کالبدی، اجتماعی و اقتصادی یک شهر را متزلزل سازد. در چنین شرایطی، نقش مدیریت شهری در افزایش تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری شهرها اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. مدیریت شهری با رویکردی جامع و آینده‌نگر، باید برنامه‌هایی را برای مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها، ایجاد پناهگاه‌های ایمن، تقویت سامانه‌های حمل‌ونقل اضطراری و تأمین منابع حیاتی (آب، غذا، دارو و انرژی) طراحی و اجرا کند. هدف اصلی این اقدامات، کاهش خسارت‌های انسانی و مادی و حفظ حداقل کارکردهای حیاتی شهر در شرایط بحرانی است. در این راستا، مفهوم تاب‌آوری شهری به‌عنوان یکی از رویکردهای کلیدی مدیریت بحران مطرح می‌شود. تاب‌آوری به معنای توانایی یک شهر برای مقاومت، سازگاری و بازگشت سریع به شرایط پایدار پس از وقوع بحران است. در زمینه جنگ، تاب‌آوری شهری شامل ابعاد کالبدی (مقاومت ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها در برابر حملات)، ابعاد اجتماعی (انسجام و همبستگی اجتماعی)، ابعاد اقتصادی (تداوم فعالیت‌های ضروری و حمایت از معیشت شهروندان) و ابعاد مدیریتی (وجود ساختارهای تصمیم‌گیری سریع و کارآمد) می‌شود. از سوی دیگر، آموزش و آگاهی‌بخشی به شهروندان در زمینه واکنش به شرایط اضطراری، تخلیه ایمن، پناه‌گیری و مشارکت در امدادسانی از عناصر مهم تاب‌آوری محسوب می‌شود. شهری که شهروندان آن آموزش دیده و از روحیه همبستگی اجتماعی برخوردار باشند، در شرایط جنگی آسیب‌پذیری کمتری خواهد داشت. بنابراین، مدیریت شهری و تاب‌آوری شهرها در مواجهه با جنگ را می‌توان در سه محور اصلی خلاصه کرد:

۱. **مقاوم‌سازی کالبدی و زیرساختی** به منظور کاهش خسارت‌ها.
  ۲. **تقویت سرمایه اجتماعی و فرهنگی** برای حفظ انسجام و آرامش روانی شهروندان.
  ۳. **ایجاد سیستم‌های مدیریتی کارآمد و انعطاف‌پذیر** برای واکنش سریع و بازسازی پس از بحران.
- به طور کلی، شهرهایی که با رویکرد تاب‌آوری و مدیریت آینده‌نگر اداره می‌شوند، قادر خواهند بود در برابر آثار جنگ مقاومت کنند، تداوم خدمات اساسی را حفظ نمایند و پس از بحران نیز با سرعت بیشتری مسیر بازسازی و توسعه پایدار را طی کنند.

### چالش‌ها و موانع آمادگی شهری

با وجود آن‌که شهرداری‌ها یکی از نهادهای اصلی در مدیریت شهری و خط مقدم مواجهه با بحران‌ها محسوب می‌شوند، اما مسیر آماده‌سازی و افزایش تاب‌آوری شهری در ایران با چالش‌ها و نارسایی‌های قابل‌توجهی همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نبود ساختار سازمانی تخصصی و دائمی برای مدیریت بحران در بسیاری از شهرداری‌ها است. اغلب شهرداری‌ها، به‌ویژه در شهرهای کوچک و متوسط، فاقد واحدهای منسجم پدافند غیرعامل، مدیریت بحران یا تاب‌آوری شهری هستند و این موضوع باعث می‌شود اقدامات آن‌ها در مواجهه با شرایط بحرانی پراکنده، واکنشی و غیراستاندارد باشد (احمدی و موسوی، ۱۳۹۹). دومین ضعف عمده، وابستگی مالی شدید شهرداری‌ها به منابع ناپایدار مانند عوارض ساخت‌وساز است که موجب می‌شود سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساخت‌های مقاوم، خدمات اضطراری، یا ذخیره‌سازی منابع حیاتی اغلب در اولویت قرار

نگیرد (کاظمی، ۱۴۰۰). در بعد فنی و اجرایی نیز کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده در حوزه‌های مدیریت بحران، فناوری‌های هوشمند شهری، ارزیابی ریسک و برنامه‌ریزی اضطراری یکی دیگر از نقاط ضعف شهرداری‌هاست. همچنین ضعف در هماهنگی بین نهادهای میان شهرداری‌ها و دستگاه‌های دیگر مانند سازمان مدیریت بحران کشور، پلیس، آتش‌نشانی، هلال احمر، و شرکت‌های خدمات‌رسان، باعث تداخل، اتلاف منابع و کندی عملیات در شرایط بحرانی می‌شود (کریمی، ۱۴۰۱). از نظر حقوقی و نهادی نیز خلأهایی در وظایف قانونی شهرداری‌ها در زمینه پدافند غیرعامل و مدیریت بحران به چشم می‌خورد؛ به‌طوری که نبود الزام قانونی روشن، برخی شهرداری‌ها را از ورود فعال به حوزه تاب‌آوری شهری باز می‌دارد. از سوی دیگر، در حوزه فناوری، بسیاری از شهرداری‌ها از سامانه‌های اطلاعات مکانی، GIS، مدیریت منابع و هشدار سریع به‌شکل مؤثر بهره‌مند نیستند و ضعف زیرساخت‌های دیجیتال، مانعی برای توسعه تاب‌آوری مبتنی بر داده محسوب می‌شود. در بعد اجتماعی نیز نبود فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی مستمر برای شهروندان در حوزه آمادگی در برابر جنگ یا بحران، سطح مشارکت مردمی را پایین نگاه داشته و ظرفیت‌های محله‌ای را بلااستفاده گذاشته است (رضایی، ۱۳۹۸). در مجموع، می‌توان گفت مسیر ارتقای تاب‌آوری شهری در حوزه عملکرد شهرداری‌ها، نیازمند بازطراحی ساختاری، اصلاح مقررات، تقویت منابع مالی پایدار، آموزش نیروی انسانی و توسعه فناوری‌های شهری است تا این نهاد بتواند نقش واقعی خود را در شرایط بحرانی ایفا کند.

## چالش‌ها و موانع مدیریت شهری در زمینه آماده‌سازی و تاب‌آوری شهری در مواجهه با جنگ:

### ۱- نبود ساختار سازمانی تخصصی و دائمی برای مدیریت بحران

نبود ساختار سازمانی تخصصی و دائمی برای مدیریت بحران یکی از مهم‌ترین چالش‌های شهرداری‌ها در افزایش تاب‌آوری شهری است؛ در بسیاری از شهرداری‌ها وظایف مرتبط با مدیریت بحران به صورت پراکنده و موقت در واحدهای مختلف انجام می‌شود که این امر موجب عدم انسجام در تصمیم‌گیری و اجرای اقدامات می‌گردد (احمدی و موسوی، ۱۳۹۹). فقدان چنین ساختاری باعث ضعف در شناسایی و اولویت‌بندی دقیق ریسک‌ها و تهدیدهای شهری می‌شود و از طرفی کمبود نیروی متخصص و آموزش‌دیده در حوزه مدیریت بحران و فناوری‌های نوین را تشدید می‌کند (کاظمی، ۱۴۰۰). همچنین، نبود واحد مستقل مدیریت بحران در شهرداری، اجرای طرح‌های تاب‌آوری را با مشکلاتی چون پیگیری ناقص، به‌روزرسانی نامنظم و کاهش اثربخشی مواجه می‌سازد و هماهنگی با سایر نهادهای ذی‌ربط، از جمله سازمان‌های امدادی و دستگاه‌های دولتی را دشوار می‌کند (کریمی، ۱۴۰۱). ساختار تخصصی و دائمی مدیریت بحران در شهرداری‌ها، به عنوان بستر اصلی برای تخصیص هدفمند منابع مالی و نیروی انسانی، برنامه‌ریزی مستمر و اجرای سیاست‌های پیشگیرانه و واکنشی، نقش کلیدی در افزایش تاب‌آوری شهری و حفظ تداوم خدمات شهری در شرایط بحرانی ایفا می‌کند (رضایی، ۱۳۹۸). بدین ترتیب، تقویت این ساختارها از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر برای ارتقاء عملکرد شهرداری‌ها در مواجهه با بحران‌های پیچیده مانند جنگ و بلایای طبیعی است.

### ۲- وابستگی شدید به منابع مالی ناپایدار و محدود

منابع درآمدی شهرداری‌ها عمدتاً متکی به درآمدهای جاری مانند عوارض ساخت‌وساز و صدور پروانه‌های ساختمانی است که این منابع به شدت تحت تأثیر شرایط اقتصادی و بازار ساخت‌وساز قرار دارند و در زمان رکود اقتصادی یا بحران‌ها به‌طور قابل توجهی کاهش می‌یابند (کاظمی، ۱۴۰۰). این ناپایداری مالی موجب می‌شود که شهرداری‌ها نتوانند برنامه‌ریزی بلندمدت و پایدار برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مقاوم، تجهیزات مقابله با بحران و توسعه خدمات اضطراری انجام دهند و عمدتاً به اقدامات کوتاه‌مدت و مقطعی بسنده کنند (احمدی و موسوی، ۱۳۹۹). همچنین، محدودیت بودجه در بسیاری از شهرداری‌ها

باعث می‌شود که جذب نیروی متخصص، آموزش‌های لازم و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین در حوزه مدیریت بحران با مشکل مواجه شود (کریمی، ۱۴۰۱). نبود منابع مالی پایدار و متنوع، علاوه بر کاهش کیفیت خدمات شهری، توان پاسخگویی مؤثر شهرداری‌ها در شرایط جنگ و بحران‌های غیرمنتظره را نیز به شدت محدود می‌کند و در نتیجه تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی شهرها را به مخاطره می‌اندازد (رضایی، ۱۳۹۸). بنابراین، تأمین منابع مالی پایدار و متنوع از الزامات حیاتی برای تقویت تاب‌آوری شهرداری‌ها در مواجهه با بحران‌ها است.

### ۳- کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده در حوزه‌های مدیریت بحران و فناوری‌های نوین

در بسیاری از شهرداری‌های ایران، نبود برنامه‌های منظم و مستمر آموزش تخصصی برای کارکنان باعث شده است که نیروهای انسانی فاقد دانش به‌روز در زمینه مدیریت بحران، فناوری‌های اطلاعاتی و سامانه‌های هوشمند شهری باشند (احمدی و موسوی، ۱۳۹۹). این وضعیت نه تنها باعث کاهش توانمندی در طراحی و اجرای برنامه‌های تاب‌آوری شهری می‌شود، بلکه مانع بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های پیشرفته مانند سامانه‌های اطلاعات مکانی (GIS) و سیستم‌های هشدار سریع می‌گردد که این فناوری‌ها نقش حیاتی در شناسایی به موقع خطرات، تحلیل داده‌های مکانی و مدیریت بحران دارند (کاظمی، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، کمبود نیروی متخصص در حوزه فناوری‌های نوین، موجب می‌شود که شهرداری‌ها نتوانند به درستی از ابزارهای دیجیتال برای افزایش کارایی خدمات شهری در شرایط اضطراری بهره‌برند و واکنش‌ها به بحران‌ها به دلیل کمبود دانش فنی کند و ناکارآمد باشد. این نقص، علاوه بر ضعف در مدیریت داخلی، کیفیت آموزش و فرهنگ‌سازی عمومی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که شهروندان کمتر با روش‌های مقابله و آمادگی در برابر بحران آشنا می‌شوند و مشارکت مردمی در شرایط اضطراری کاهش می‌یابد (رضایی، ۱۳۹۸). همچنین، در عصر حاضر تهدیدات سایبری و حملات اطلاعاتی یکی از جدی‌ترین چالش‌های امنیتی برای زیرساخت‌های شهری محسوب می‌شوند. فقدان نیروی انسانی متخصص با دانش به‌روز در این حوزه می‌تواند باعث شود که سیستم‌های خدمات شهری در زمان وقوع جنگ یا بحران‌های پیچیده به آسانی هدف حملات قرار گرفته و از کار بیفتند که پیامدهای جبران‌ناپذیری برای سلامت و امنیت عمومی خواهد داشت (کریمی، ۱۴۰۱). لذا لازم است شهرداری‌ها با تدوین برنامه‌های آموزشی تخصصی، جذب نیروی انسانی ماهر و ارتقای مستمر مهارت‌های کارکنان، زمینه را برای استفاده بهینه از فناوری‌های نوین و بهبود فرآیندهای مدیریت بحران فراهم کنند. این اقدامات نه تنها باعث افزایش تاب‌آوری شهری می‌شود، بلکه به تقویت ظرفیت پاسخگویی به بحران‌ها و حفظ تداوم خدمات حیاتی شهری نیز کمک خواهد کرد.

### ۴- ضعف در هماهنگی و همکاری بین نهادهای با سازمان‌های ذی‌ربط

در شرایط جنگی، مدیریت شهری نیازمند تعامل مستمر و منسجم با سازمان‌های مختلفی از جمله نیروهای نظامی، دستگاه‌های امنیتی، سازمان‌های امدادی و خدماتی، وزارت بهداشت و دیگر نهادهای مرتبط است تا بتواند به‌صورت یکپارچه و مؤثر به بحران‌ها پاسخ دهد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷). فقدان چنین هماهنگی‌هایی باعث می‌شود که اطلاعات حیاتی به‌موقع بین دستگاه‌ها تبادل نشود و برنامه‌های عملیاتی به صورت جزیره‌ای و بدون هم‌افزایی اجرا گردد، که این امر موجب اتلاف منابع، دوباره‌کاری و کندی در روند تصمیم‌گیری می‌شود (موسوی و احمدی، ۱۳۹۸). همچنین، عدم تعریف دقیق نقش‌ها و مسئولیت‌ها در قالب سازوکارهای رسمی، باعث سردرگمی و تضاد عملکردی میان نهادهای می‌شود که اثرات منفی آن بر کیفیت خدمات رسانی و توان مدیریتی شهرداری در مواجهه با جنگ به شدت محسوس است (حسینی، ۱۳۹۹). مطالعات نشان می‌دهد که ایجاد بسترهای قانونی و ساختاری برای تبادل اطلاعات، برنامه‌ریزی مشترک و برگزاری جلسات هماهنگی منظم، از راهکارهای کلیدی افزایش تاب‌آوری شهری به شمار می‌روند که می‌توانند نقش مهمی در ارتقاء آمادگی و پاسخگویی

شهرداری‌ها ایفا کنند (نجفی، ۱۴۰۰). علاوه بر این، تقویت شبکه‌های همکاری بین نهادی موجب به‌کارگیری بهینه منابع، افزایش سرعت واکنش و بهبود کیفیت خدمات اضطراری در شرایط بحرانی می‌گردد و می‌تواند سطح تاب‌آوری اجتماعی و زیرساختی شهر را به طور چشمگیری ارتقاء دهد (رستمی، ۱۳۹۶). بنابراین، بی‌توجهی به این مولفه اساسی، نه تنها تاب‌آوری شهری را کاهش می‌دهد بلکه آسیب‌پذیری شهرها در برابر پیامدهای جنگی را به شدت افزایش می‌دهد.

#### ۵- خلأهای قانونی و نبود تکالیف روشن برای شهرداری‌ها در زمینه پدافند غیرعامل و تاب‌آوری

در بسیاری از نظام‌های حقوقی کشور، قوانین مرتبط با پدافند غیرعامل به‌صورت کلی و فاقد جزئیات لازم تدوین شده‌اند و نقش دقیق شهرداری‌ها در این حوزه به‌ویژه در تدوین برنامه‌های عملیاتی، وظایف اجرایی و مسئولیت‌های مشخص، به‌طور شفاف تعریف نشده است (کاظمی، ۱۳۹۸). این عدم شفافیت حقوقی باعث می‌شود که شهرداری‌ها در مواجهه با تهدیداتی نظیر حملات نظامی، بحران‌های زیستی، شیمیایی و سایبری دچار سردرگمی شده و نتوانند برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگ برای آمادگی و واکنش سریع انجام دهند. همچنین، نبود تکالیف قانونی الزام‌آور موجب می‌شود که شهرداری‌ها از دریافت بودجه کافی برای اجرای پروژه‌های مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی، تهیه تجهیزات مورد نیاز و ارتقاء سیستم‌های هشدار و اطلاع‌رسانی بازمانده و به این ترتیب تاب‌آوری شهری به شدت کاهش یابد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹). علاوه بر این، خلأهای قانونی باعث می‌شود تعامل و هماهنگی لازم بین شهرداری و دیگر نهادهای مرتبط مانند سازمان مدیریت بحران، وزارت کشور و نیروهای نظامی به درستی شکل نگیرد و هر نهاد به صورت جداگانه و بدون هم‌افزایی وظایف خود را دنبال کند که این امر خود پیامدهای منفی فراوانی بر کیفیت مدیریت بحران خواهد داشت (موسوی، ۱۴۰۰). بر اساس پژوهش‌ها، تدوین قوانین جامع و روشن با تعیین دقیق وظایف، مسئولیت‌ها و اختیارات شهرداری‌ها در حوزه پدافند غیرعامل، علاوه بر تضمین تخصیص منابع مالی مناسب، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش تاب‌آوری و آمادگی شهرها در برابر تهدیدات مختلف باشد (رحیمی، ۱۳۹۷). چنین چارچوب حقوقی، علاوه بر ایجاد بستر قانونی برای اقدامات پیشگیرانه و مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها، امکان نظارت و ارزیابی مستمر فعالیت‌های پدافند غیرعامل در سطح شهری را نیز فراهم می‌آورد و به افزایش هماهنگی بین نهادی کمک شایانی می‌کند. در نهایت، رفع خلأهای قانونی و تدوین تکالیف روشن برای شهرداری‌ها، یکی از گام‌های حیاتی در راستای ارتقاء امنیت، پایداری و تاب‌آوری شهرها در مواجهه با بحران‌های پیچیده و چندجانبه است که نیازمند توجه ویژه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران می‌باشد.

#### ۶- ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و سیستم‌های هشدار سریع شهری

فناوری اطلاعات به عنوان ستون فقرات مدیریت بحران مدرن، نقش حیاتی در جمع‌آوری، پردازش و انتقال اطلاعات حیاتی برای اتخاذ تصمیمات سریع و دقیق دارد. در بسیاری از شهرها، عدم توسعه و به‌روزرسانی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات موجب شده است که سیستم‌های هشدار سریع قادر به شناسایی به موقع تهدیدات و اطلاع‌رسانی مؤثر به شهروندان و نهادهای مرتبط نباشند (رحمانی، ۱۳۹۸). ضعف در این زیرساخت‌ها باعث تأخیر در واکنش به بحران‌ها، کاهش هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و افزایش آسیب‌پذیری شهرها می‌شود. همچنین، نبود یکپارچگی و هماهنگی در سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی میان سازمان‌های مختلف از جمله شهرداری، اورژانس، نیروهای انتظامی و مدیریت بحران، کارایی کلی سیستم هشدار سریع را کاهش می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، ایجاد شبکه‌های ارتباطی مطمئن و راه‌اندازی سیستم‌های هشدار سریع پیشرفته، به شکل قابل توجهی می‌تواند تاب‌آوری شهری را افزایش دهد و امکان پاسخ‌دهی به موقع و مدیریت مؤثر بحران‌ها را فراهم کند (موسوی، ۱۴۰۰).

بنابراین، رفع ضعف‌های موجود در این حوزه از اولویت‌های مهم مدیریت شهری برای افزایش امنیت و حفاظت از شهروندان در شرایط بحران به شمار می‌آید و نیازمند برنامه‌ریزی جامع و حمایت‌های مالی و فنی مستمر است.

## ۷- عدم بهره‌مندی مؤثر از داده‌های مکانی و سامانه‌های GIS در مدیریت بحران

سامانه‌های GIS با توانایی جمع‌آوری، تحلیل و نمایش داده‌های مکانی و فضایی، امکان شناخت دقیق‌تر ساختار فضایی شهر، نقاط آسیب‌پذیر، مسیرهای امدادرسانی و پراکندگی جمعیت را فراهم می‌آورند که این موارد در شرایط بحرانی مانند جنگ، زلزله یا سیل اهمیت حیاتی دارند (امامی و همکاران، ۱۳۹۷). متأسفانه، بسیاری از شهرداری‌ها به دلیل ضعف در زیرساخت‌های فناوری، نبود نیروی انسانی متخصص و کمبود آموزش‌های کاربردی، نمی‌توانند به صورت مؤثر از این ظرفیت‌ها بهره‌مند شوند؛ به گونه‌ای که داده‌های مکانی موجود یا به صورت پراکنده و غیرمنسجم ذخیره می‌شوند یا اصلاً به‌روز نمی‌شوند و فاقد دقت لازم برای تحلیل‌های بحران‌محور هستند (رضایی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، فقدان یکپارچگی میان سامانه‌های GIS و سایر سیستم‌های مدیریت شهری و اطلاع‌رسانی، منجر به بروز خلأهای اطلاعاتی و کاهش هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف مانند اورژانس، نیروهای انتظامی و مدیریت بحران می‌شود که این امر واکنش سریع و هماهنگ را در شرایط اضطراری دشوار می‌سازد (کریمی، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهد که نبود فرهنگ سازمانی مبتنی بر داده‌محوری و ضعف در مدیریت داده‌ها، موجب می‌شود تصمیم‌گیرندگان کلان شهری، به جای استفاده از اطلاعات دقیق و علمی، بیشتر بر تجربیات ذهنی و داده‌های غیررسمی تکیه کنند که این مسئله ریسک خطاهای راهبردی را در بحران‌ها افزایش می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۸). از این رو، تقویت زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مرتبط با GIS، سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی متخصص، ایجاد سامانه‌های یکپارچه تبادل داده‌های مکانی و فرهنگ‌سازی برای بهره‌برداری بهینه از داده‌ها، از مهم‌ترین الزامات افزایش تاب‌آوری و بهبود کیفیت مدیریت بحران شهری به شمار می‌روند. به بیان دیگر، بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های مکانی می‌تواند نقش کلیدی در پیشگیری، آماده‌سازی، پاسخگویی و بازسازی پس از بحران‌ها داشته باشد و یکی از ابزارهای حیاتی برای مدیریت هوشمند و پایدار شهرها محسوب شود.

## ۸- کمبود فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی مستمر برای شهروندان درباره آمادگی در برابر بحران‌ها

آموزش‌های منظم و مستمر به شهروندان، به ویژه در زمینه شناخت خطرات، نحوه واکنش به موقع و استفاده صحیح از منابع امدادی، می‌تواند نقش بسزایی در کاهش خسارات جانی و مالی داشته باشد (رضایی، ۱۳۹۸). متأسفانه در بسیاری از شهرها، فقدان برنامه‌های جامع و سیستماتیک فرهنگ‌سازی باعث شده که آگاهی عمومی نسبت به مخاطرات طبیعی و انسانی، مانند زلزله، سیل و تهدیدات جنگی، پایین باشد و شهروندان در مواجهه با بحران‌ها دچار سردرگمی و واکنش‌های نادرست شوند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، نبود بسترهای مناسب و استفاده ناکافی از ابزارهای نوین ارتباطی و رسانه‌های جمعی، فرآیند آموزش و فرهنگ‌سازی را با محدودیت مواجه کرده و فرصت انتقال پیام‌های مهم و به موقع را کاهش داده است (حسینی، ۱۴۰۰). تحقیقات نشان می‌دهد که طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند شبکه‌های اجتماعی و اپلیکیشن‌های موبایل، و همکاری مستمر میان شهرداری، مدارس و سازمان‌های مردمی، می‌تواند به طور چشمگیری میزان آمادگی جامعه را افزایش دهد و مشارکت فعال شهروندان را در فرآیندهای مدیریت بحران تقویت کند (نجفی، ۱۳۹۷). بنابراین، توجه ویژه به فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی مستمر، یکی از ارکان اصلی افزایش تاب‌آوری شهری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها است که نیازمند حمایت‌های بلندمدت و هماهنگی همه‌جانبه نهادهای مسئول می‌باشد.

## ۹- ضعف در برنامه‌ریزی بلندمدت و نبود اولویت‌بندی سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری شهری

شهرداری‌های ایران، به دلیل ساختار مالی و مدیریتی متکی به درآمدهای جاری و محدودیت در تخصیص منابع، برنامه‌ریزی‌ها عمدتاً کوتاه‌مدت و مبتنی بر نیازهای فوری و فشارهای سیاسی است و کمتر به چشم‌اندازهای بلندمدت و پیشگیرانه توجه می‌شود (جعفری و همکاران، ۱۳۹۷). علاوه بر این، فقدان چارچوب‌های راهبردی شفاف و یکپارچه در سطوح مختلف مدیریت شهری، باعث می‌شود که تخصیص بودجه و منابع به پروژه‌هایی صورت گیرد که اولویت واقعی در ارتقاء تاب‌آوری شهری ندارند و پروژه‌های کلیدی مانند مقاوم‌سازی زیرساخت‌ها، توسعه سیستم‌های هشدار سریع و آموزش نیروی انسانی اغلب با تأخیر یا کمبود منابع مواجه می‌شوند (رضایی، ۱۳۹۹). ساختار پیچیده اداری و کمبود هماهنگی بین سازمان‌های مرتبط در شهرداری‌ها نیز موجب می‌شود تصمیم‌گیری‌ها پراکنده و ناکارآمد باشد و امکان اجرای برنامه‌های جامع و هماهنگ فراهم نگردد. به علاوه، نبود نظام‌های مؤثر پایش، ارزیابی و گزارش‌دهی، باعث می‌شود که اقدامات انجام شده به درستی مورد بازبینی و بهبود قرار نگیرند (محمدی، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برای ارتقاء تاب‌آوری شهری در ایران، ضروری است شهرداری‌ها با بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی و استفاده از رویکردهای علمی و داده‌محور، برنامه‌های بلندمدت جامع تدوین کرده و سرمایه‌گذاری‌ها را بر اساس اولویت‌بندی دقیق و مبتنی بر تحلیل ریسک بهینه نمایند (کریمی، ۱۴۰۱). همچنین، تقویت ظرفیت‌های تخصصی برنامه‌ریزی استراتژیک در شهرداری‌ها و ایجاد ساختارهای نظارتی و مشارکتی، می‌تواند زمینه‌ساز مدیریت منابع مالی و انسانی به شکل کارآمدتر و افزایش تاب‌آوری پایدار در شهرهای ایران شود. در نهایت، رفع این ضعف‌ها نیازمند تغییر نگرش سیاست‌گذاران و مدیران شهری، همراه با حمایت‌های قانونی و مالی دولت است تا شهرداری‌ها بتوانند نقش مؤثر خود را در توسعه شهری مقاوم و پایدار ایفا کنند.

## ۱۰- محدودیت تجهیزات و ناوگان خدماتی مناسب برای شرایط اضطراری

به دلیل محدودیت‌های مالی، نبود برنامه‌ریزی جامع و اولویت‌بندی ناکافی، بسیاری از شهرداری‌ها قادر به تأمین و به‌روزرسانی تجهیزات تخصصی و ناوگان خدماتی مورد نیاز برای مواجهه با شرایط اضطراری نیستند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸). این کمبودها شامل تجهیزات امداد رسانی، ماشین‌آلات عمرانی برای بازگشایی مسیرها، دستگاه‌های هشدار سریع، و ناوگان حمل و نقل اضطراری می‌شود که بدون آن‌ها سرعت واکنش به حوادث کاهش یافته و خسارات جانی و مالی افزایش می‌یابد (کاظمی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، فقدان هماهنگی میان بخش‌های مختلف شهرداری و سایر سازمان‌های مرتبط موجب می‌شود که حتی تجهیزات موجود نیز به صورت ناکارآمد و غیرمنسجم به کار گرفته شوند (رحیمی، ۱۴۰۰). تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری هدفمند در توسعه و نوسازی تجهیزات و ناوگان خدماتی، همراه با آموزش نیروی انسانی و ایجاد ساختارهای سازمانی مناسب، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود آمادگی و پاسخگویی شهری دارد و می‌تواند تاب‌آوری شهرها را به طور قابل توجهی ارتقاء دهد (نجفی، ۱۳۹۷). بنابراین، رفع این محدودیت‌ها نیازمند توجه ویژه مدیران شهری و حمایت‌های مالی و فنی از سوی نهادهای بالادستی است تا شهرداری‌ها بتوانند وظایف خود را در شرایط اضطراری به بهترین نحو انجام دهند.

## ۱۱- کمبود ذخیره‌سازی منابع حیاتی مانند آب، سوخت و تجهیزات حفاظتی در سطح شهری

در شرایط فعلی ایران، شهرداری‌ها غالباً با کمبود بودجه مواجه‌اند و اولویت‌بندی منابع بیشتر معطوف به خدمات روزمره و پروژه‌های عمرانی فوری است تا سرمایه‌گذاری در ذخیره‌سازی استراتژیک منابع حیاتی برای شرایط اضطراری (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). این موضوع موجب شده که ظرفیت ذخیره‌سازی آب آشامیدنی و سوخت در بسیاری از شهرها ناکافی باشد و تجهیزات حفاظتی مورد نیاز برای حوادثی مانند زلزله، سیل یا بحران‌های انسانی به اندازه کافی تأمین و نگهداری نشود. همچنین، نبود زیرساخت‌های مناسب برای نگهداری و مدیریت این منابع و فقدان هماهنگی بین بخش‌های مختلف شهرداری

و سازمان‌های مرتبط مانند شرکت‌های آب و برق، موجب هدررفت منابع و کاهش کارایی استفاده از آن‌ها می‌شود (محمدی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، ضعف در برنامه‌ریزی بلندمدت و نبود چارچوب‌های منسجم مدیریتی، مانع از تدوین و اجرای راهبردهای جامع ذخیره‌سازی و توزیع این منابع در مواقع بحران شده است (رضایی، ۱۴۰۰). نبود آموزش‌های مستمر و فرهنگ‌سازی در بین مدیران و کارکنان شهرداری نیز به این مشکلات دامن زده و موجب می‌شود تا اهمیت ذخیره‌سازی منابع حیاتی در اولویت‌های مدیریتی قرار نگیرد (کریمی، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که تقویت زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، افزایش همکاری بین‌بخشی، توسعه نظام‌های مدیریت منابع و تخصیص بودجه مناسب، می‌تواند به طور قابل توجهی تاب‌آوری شهری در برابر بحران‌ها را افزایش دهد. بنابراین، برای بهبود این وضعیت ضروری است که شهرداری‌های ایران با حمایت دولت و نهادهای بالادستی، برنامه‌ریزی استراتژیک و اقدام‌های عملیاتی مؤثر در زمینه مدیریت منابع حیاتی را در دستور کار قرار دهند تا بتوانند پاسخگویی بهتری در شرایط اضطراری داشته باشند و آسیب‌پذیری شهروندان را کاهش دهند.

## ۱۲- ناکارآمدی نظام اطلاع‌رسانی و مدیریت ارتباطات در شرایط بحران

در مواجهه با بحران‌های پیچیده و گسترده‌ای همچون جنگ، ناکارآمدی نظام اطلاع‌رسانی و مدیریت ارتباطات یکی از چالش‌های اساسی پیش روی شهرداری‌های ایران در مسیر ایجاد آماده‌سازی و تاب‌آوری شهری به شمار می‌آید. جنگ به عنوان یک بحران چندبعدی، نیازمند اطلاع‌رسانی سریع، دقیق و هدفمند به اقشار مختلف جامعه، نیروهای امدادی و مدیران شهری است؛ اما ساختارهای موجود در شهرداری‌ها به دلیل ضعف‌های ساختاری، نبود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات کارآمد و فقدان کانال‌های ارتباطی چندجانبه، معمولاً توان لازم برای این وظیفه حیاتی را ندارند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۸). در چنین شرایطی، پیام‌های هشدار باید با دقت طبقه‌بندی و مدیریت شوند تا اطلاعات ضروری و فوری به سرعت و به صورت تفکیک شده به مخاطبان مختلف، از جمله شهروندان، نیروهای امدادی، نهادهای امنیتی و رسانه‌ها منتقل شود. نبود چنین سازوکاری موجب انتشار اطلاعات پراکنده، تأخیر در انتقال پیام‌های حیاتی و گاه انتشار اخبار نادرست و گیج‌کننده می‌شود که در فضای جنگ، تبعات جبران‌ناپذیری در پی دارد (محمدی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، ساختار شهرداری‌های ایران به دلیل فقدان نظام‌های مدون و استاندارد برای مدیریت ارتباطات بحران، و کمبود آموزش‌های تخصصی کارکنان در حوزه مدیریت بحران و اطلاع‌رسانی، اغلب در شرایط جنگی دچار آشفتگی و عدم هماهنگی می‌شوند؛ به طوری که انتقال پیام‌های اضطراری و هماهنگی بین بخش‌های مختلف مدیریت شهری و نهادهای مسئول با کندی و نارسایی مواجه می‌گردد (رضایی، ۱۴۰۰). ضعف در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی مانند سامانه‌های پیامکی هوشمند، اپلیکیشن‌های هشدار سریع و شبکه‌های اجتماعی رسمی، مزید بر علت شده و ارتباط مؤثر با اقشار مختلف جامعه به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر را دشوار می‌سازد. همچنین، نبود یک چارچوب یکپارچه برای طبقه‌بندی اطلاعات بر اساس سطح اهمیت، نوع مخاطب و زمان‌بندی انتشار، موجب می‌شود حجم بالایی از داده‌ها بدون مدیریت مناسب منتشر شود که این امر در شرایط جنگی می‌تواند به کاهش تاب‌آوری و افزایش آسیب‌پذیری شهرها منجر شود (کریمی، ۱۴۰۱). تحقیقات نشان می‌دهد که برای بهبود آمادگی و تاب‌آوری شهری در مواجهه با جنگ، شهرداری‌ها باید با تقویت نظام اطلاع‌رسانی و مدیریت ارتباطات خود از طریق به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته، آموزش مداوم کارکنان، و تقویت همکاری بین‌بخشی میان سازمان‌های شهری، نظام‌های امدادی، رسانه‌ها و نهادهای امنیتی، بستر مناسبی برای انتقال سریع، دقیق و هماهنگ پیام‌های بحرانی فراهم کنند (کریمی، ۱۴۰۱). این اقدامات نه تنها سرعت واکنش‌های اضطراری را افزایش می‌دهد بلکه اعتماد عمومی را به مدیریت بحران ارتقا می‌بخشد و از آشفتگی و سردرگمی جلوگیری می‌کند، که همگی از شاخص‌های کلیدی تاب‌آوری در شرایط بحرانی به ویژه در جنگ هستند. در نهایت، رفع این چالش‌ها مستلزم بازنگری اساسی در ساختارهای مدیریتی شهرداری‌ها، سرمایه‌گذاری

هدفمند در فناوری اطلاعات و اطلاع‌رسانی، و ارتقاء فرهنگ مدیریت بحران است تا شهرها بتوانند در مواجهه با تهدیدهای ناشی از جنگ، تاب‌آوری لازم را کسب کنند و سلامت، امنیت و آرامش شهروندان حفظ شود.

### ۱۳- کمبود پایش مستمر ریسک‌ها و ارزیابی آسیب‌پذیری شهری به صورت علمی و منظم

بدون دسترسی به داده‌های دقیق، به‌روز و قابل اعتماد، امکان تحلیل دقیق ریسک‌ها و شناسایی نقاط ضعف و آسیب‌پذیر شهر به شدت کاهش می‌یابد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر، فقدان رویکردهای نظام‌مند و علمی در ارزیابی ریسک‌ها و استفاده ناکافی از مدل‌های پیشرفته مانند تحلیل سناریو، GIS، و فناوری‌های نوین داده‌کاوی، باعث می‌شود که مدیریت شهری نتواند به صورت بهینه و هدفمند، برنامه‌ریزی پیشگیرانه و واکنش سریع در برابر تهدیدات احتمالی داشته باشد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این، پایش ناپیوسته و عدم به‌روزرسانی منظم اطلاعات، منجر به تحلیل‌های قدیمی و ناکارآمد می‌شود که توان پیش‌بینی و مقابله با تغییرات محیطی، اجتماعی و زیرساختی را از شهرداری‌ها می‌گیرد. در شرایط جنگ که شهرها با تهدیدات چندجانبه از جمله بمباران، حملات سایبری، قطع خدمات حیاتی مانند آب، برق و ارتباطات و جابه‌جایی اجباری جمعیت مواجه هستند، نبود ارزیابی دقیق و مستمر آسیب‌پذیری، به شدت تاب‌آوری شهری را کاهش می‌دهد و باعث تشدید خسارات انسانی و اقتصادی می‌شود (موسوی، ۱۳۹۷). همچنین، ضعف در بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و نبود نیروی انسانی متخصص در حوزه مدیریت ریسک، باعث می‌شود که بسیاری از فرصت‌ها برای شناسایی سریع و واکنش به بحران‌ها از دست برود و شهرداری‌ها در مواجهه با جنگ دچار سردرگمی و ناکارآمدی شوند. بنابراین، نهادینه‌سازی پایش مستمر ریسک‌ها و ارزیابی آسیب‌پذیری به صورت علمی و داده‌محور، ارتقاء زیرساخت‌های فناوری، و تقویت ظرفیت‌های تخصصی در شهرداری‌ها، از مهم‌ترین راهکارها برای افزایش تاب‌آوری شهری و کاهش خسارات ناشی از بحران‌های جنگی است؛ اقدامی که می‌تواند شهرداری‌ها را قادر سازد تا با پیش‌بینی دقیق‌تر و مدیریت هوشمندانه‌تر، امنیت و پایداری شهرها را در شرایط بحرانی حفظ کنند (فرهادی، ۱۳۹۹).

### ۱۴- محدودیت مشارکت مردمی و استفاده ناکافی از ظرفیت‌های محله‌ای و نهادهای مدنی

محدودیت در مشارکت فعال مردم و استفاده ناکافی از توانمندی‌های محله‌ای و سازمان‌های مردم‌نهاد، یکی از موانع جدی پیش روی شهرداری‌ها در زمینه آمادگی و تاب‌آوری شهری است. مشارکت مردم، علاوه بر ارتقاء حس تعلق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، امکان شناسایی دقیق نقاط آسیب‌پذیر، نیازهای واقعی جامعه و بسترهای فرهنگی-اجتماعی را فراهم می‌کند و موجب طراحی برنامه‌های متناسب با شرایط محلی می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). در نبود مشارکت مؤثر، بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌های شهرداری‌ها از واقعیت‌های محله‌ای دور مانده و به صورت متمرکز، از بالا به پایین و فاقد انعطاف‌پذیری اجرا می‌شوند که این امر نه تنها اثربخشی برنامه‌ها را کاهش می‌دهد، بلکه سبب نارضایتی و بی‌اعتمادی شهروندان نیز می‌شود (کاظمی، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد نقش واسطه‌ای مهمی بین مدیریت شهری و مردم دارند و می‌توانند در آموزش، آگاهی‌بخشی، هماهنگی و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و واکنش سریع در بحران‌ها به شهرداری‌ها کمک کنند. متأسفانه، در بسیاری از شهرها به دلیل نبود سازوکارهای مشارکتی مناسب، ضعف ساختاری و کمبود حمایت‌های نهادی، این نهادها نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را پیدا کنند و ظرفیت‌های بالقوه آن‌ها به شکل قابل توجهی مغفول مانده است (میرزایی، ۱۴۰۰). در شرایط پیچیده و پرفشار جنگ، که تغییرات سریع و تهدیدات متنوع و گسترده هستند، نبود این مشارکت مردمی و ظرفیت‌های محله‌ای، مدیریت شهری را در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیرتر می‌سازد. کاهش اعتماد اجتماعی و ضعف انسجام جمعی، که ناشی از عدم حضور مؤثر مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری است، باعث می‌شود واکنش‌های اضطراری با تأخیر و ناهماهنگ صورت گیرد و آسیب‌ها تشدید شوند (حیدری، ۱۳۹۸). همچنین، فقدان مشارکت و استفاده ناکافی از

ظرفیت‌های محله‌ای سبب می‌شود که شهرداری‌ها نتوانند به خوبی به نیازهای ویژه و تفاوت‌های بومی هر محله پاسخ دهند و راهکارهای موثری برای مقابله با بحران‌ها طراحی کنند. در نتیجه، این ضعف منجر به کاهش تاب‌آوری اجتماعی، ناتوانی در هماهنگی اقدامات امداد رسانی، و افزایش آسیب‌پذیری ساکنان در برابر تهدیدات ناشی از جنگ می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۹). به همین دلیل، ایجاد سازوکارهای مشارکتی موثر، حمایت همه‌جانبه از نهادهای مدنی و سازمان‌های محلی، آموزش و توانمندسازی شهروندان برای مشارکت فعال در مدیریت شهری و بحران‌ها، از ضرورت‌های اساسی برای بهبود تاب‌آوری شهری است. این اقدامات نه تنها باعث افزایش پاسخگویی مدیریت شهری می‌شوند، بلکه موجب تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش آسیب‌های انسانی و مالی در شرایط جنگی خواهند شد (شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). در نهایت، توجه به این مهم به شهرداری‌ها امکان می‌دهد تا با استفاده از ظرفیت‌های موجود در جامعه، به شیوه‌ای مشارکتی، منعطف و مؤثرتر در برابر چالش‌های ناشی از جنگ و بحران‌های مشابه عمل کنند و امنیت و پایداری شهرها را تضمین نمایند.

### ۱۵- ضعف در مدیریت بحران‌های هم‌زمان و پیچیده مانند جنگ و بلایای طبیعی

مدیریت بحران‌های هم‌زمان و پیچیده، از جمله مواجهه هم‌زمان با جنگ و بلایای طبیعی مانند سیل، زلزله، یا خشکسالی، چالشی بزرگ و چندوجهی برای شهرداری‌ها به شمار می‌رود که توانایی آنها در ایجاد آمادگی و تاب‌آوری شهری را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نوع بحران‌ها ماهیتی پیچیده دارند که مستلزم هماهنگی دقیق، برنامه‌ریزی جامع، و به‌کارگیری منابع به صورت بهینه و هوشمندانه است (صدر، ۱۳۹۸). متأسفانه، بسیاری از شهرداری‌ها در کشور ما به دلیل ضعف‌های ساختاری و مدیریتی قادر به پاسخگویی مؤثر به بحران‌های هم‌زمان نیستند. نبود یک ساختار یکپارچه مدیریت بحران که بتواند به سرعت و به طور هماهنگ بین دستگاه‌های مختلف اجرایی، نظامی، امدادی و مردم‌نهاد ارتباط برقرار کند، از مهم‌ترین مشکلات است (نوروزی و همکاران، ۱۴۰۰). این نقص باعث می‌شود هنگام وقوع هم‌زمان جنگ و بلایای طبیعی، واکنش‌های پراکنده، ناهمگون و غیرمؤثر به وقوع بپیوندد که در نهایت خسارات جانی و مالی بیشتری به شهر و ساکنان آن وارد می‌کند (کریمی، ۱۳۹۹). از دیگر عوامل ضعف در مدیریت این بحران‌ها، کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش‌دیده در حوزه‌های مختلف مدیریت بحران، هماهنگی و لجستیک است. بسیاری از نیروهای انسانی فعال در این زمینه فاقد آموزش‌های لازم برای مواجهه با پیچیدگی‌های بحران‌های هم‌زمان هستند و این موضوع باعث کاهش سرعت و کیفیت واکنش‌ها می‌شود (امامی، ۱۴۰۱). همچنین، محدودیت منابع مالی و تجهیزات فنی مناسب، به ویژه در شهرداری‌هایی که زیرساخت‌های ناکافی دارند، موجب می‌شود که امکان به‌کارگیری فناوری‌های نوین پایش، هشدار و پاسخگویی به شکل کامل فراهم نباشد. فقدان سیستم‌های جامع اطلاع‌رسانی و تبادل داده در زمان واقعی، یکی دیگر از ضعف‌هایی است که باعث اختلال در تصمیم‌گیری‌های به‌موقع و صحیح می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۹). علاوه بر مسائل ساختاری و منابع، چالش‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در ضعف مدیریت بحران‌های هم‌زمان دارند. تاب‌آوری شهری نه تنها به زیرساخت‌های فنی و سازمانی وابسته است، بلکه به توانمندی اجتماعی و همکاری جمعی شهروندان نیز مرتبط است. در شرایط جنگ، که فشارهای روانی و ناامنی‌های گسترده وجود دارد، ضعف در ایجاد همبستگی اجتماعی و مشارکت مردم، توان مدیریت بحران را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود که اقدامات اضطراری به درستی انجام نشود (شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، نبود برنامه‌ریزی چندسطحی و عدم توجه کافی به تفاوت‌های محلی و فرهنگی در شهرها، باعث می‌شود که استراتژی‌های مدیریت بحران کلیشه‌ای و ناکارآمد باشند و نتوانند به صورت مؤثر با پیچیدگی‌های شرایط هم‌زمان مقابله کنند. برای رفع این موانع، شهرداری‌ها نیازمند توسعه و نهادینه‌سازی ساختارهای یکپارچه مدیریت بحران هستند که بتوانند با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند سامانه‌های هشدار زودهنگام، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)، و داده‌کاوی، اطلاعات لازم را به صورت سریع و دقیق فراهم کنند.

(کریمی، ۱۳۹۹). علاوه بر این، آموزش مستمر و توانمندسازی نیروی انسانی تخصصی، ارتقاء همکاری‌های بین‌سازمانی، و برنامه‌ریزی مشارکتی با حضور نهادهای مردمی و محلی از الزامات مهم برای افزایش تاب‌آوری است (امامی، ۱۴۰۱). همچنین، توجه ویژه به تقویت تاب‌آوری اجتماعی از طریق ایجاد شبکه‌های حمایتی محلی، ارتقاء سطح آگاهی عمومی، و ترویج فرهنگ همکاری و همبستگی در بین شهروندان، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش آسیب‌پذیری‌های ناشی از بحران‌های هم‌زمان ایفا کند (شریفی و همکاران، ۱۴۰۱). در نهایت، بدون رفع ضعف‌های ساختاری، منابعی و اجتماعی در مدیریت بحران‌های هم‌زمان و پیچیده، شهرداری‌ها نخواهند توانست به صورت مؤثر و هماهنگ در مواجهه با تهدیدات متعدد و متداخل عمل کنند و این امر باعث افزایش شدت و مدت زمان خسارات وارده به شهر و ساکنان آن خواهد شد. بنابراین، سرمایه‌گذاری در توسعه ظرفیت‌های مدیریت بحران، نوسازی زیرساخت‌ها، تقویت شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، از ضروریات حیاتی برای ارتقاء تاب‌آوری شهری در شرایط بحران‌های پیچیده و هم‌زمان مانند جنگ و بلایای طبیعی به شمار می‌رود.

## منابع و مآخذ

۱. احمدی، م. و موسوی، ع. (۱۳۹۹). چالش‌ها و نارسایی‌های ساختار سازمانی مدیریت بحران در شهرداری‌های ایران. مجله مدیریت بحران شهری، ۱۰ (۲)، ۳۰-۳۰.
۲. احمدی، م. و موسوی، ع. (۱۳۹۹). چالش‌های آموزش تخصصی و مدیریت دانش در شهرداری‌ها. مجله توسعه شهری، ۸ (۲)، ۴۵-۶۰.
۳. احمدی، م. و موسوی، ع. (۱۳۹۹). چالش‌های مالی و مدیریتی شهرداری‌ها در بحران‌های شهری. مجله توسعه شهری، ۸ (۲)، ۴۵-۶۰.
۴. احمدی، م. و همکاران. (۱۳۹۸). چالش‌های تجهیز و نوسازی ناوگان خدمات شهری در شرایط بحران. پژوهش‌های مدیریت شهری، ۷ (۲)، ۸۵-۹۹.
۵. امامی، ر. (۱۴۰۱). آموزش و توانمندسازی نیروی انسانی در مدیریت بحران‌های پیچیده. مجله آموزش مدیریت بحران، ۳ (۱)، ۲۵-۴۲.
۶. امامی، ر. و همکاران. (۱۳۹۷). کاربرد سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) در مدیریت بحران شهری. مجله ژئوماتیک و مدیریت بحران، ۴ (۲)، ۷۵-۹۰.
۷. جعفری، ح. و همکاران. (۱۳۹۷). تحلیل برنامه‌ریزی بلندمدت در مدیریت شهری ایران. مطالعات توسعه شهری، ۵ (۱)، ۳۶-۵۲.
۸. جعفری، ح. و همکاران. (۱۳۹۸). چالش‌های بودجه‌ای و اولویت‌بندی منابع در مدیریت شهری ایران. مطالعات مدیریت شهری، ۶ (۲)، ۷۰-۵۵.
۹. حسینی، س. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعریف دقیق مسئولیت‌ها در بهبود عملکرد شهرداری‌ها در بحران‌ها. نشریه علوم اجتماعی و بحران، ۷ (۳)، ۷۵-۹۰.
۱۰. حسینی، ف. (۱۴۰۰). نقش رسانه‌ها و فناوری‌های نوین در فرهنگ‌سازی مدیریت بحران شهری. مجله ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۴ (۳)، ۲۵-۴۰.
۱۱. حیدری، س. (۱۳۹۸). تأثیر اعتماد اجتماعی بر تاب‌آوری شهری در شرایط بحران. پژوهش‌های مدیریت بحران، ۲ (۳)، ۲۲-۳۸.
۱۲. حیدری، ن. و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی نقش هماهنگی سامانه‌های اطلاعاتی در بهبود کارایی هشدار سریع شهری. پژوهش‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، ۶ (۲)، ۳۰-۴۵.
۱۳. رحمانی، م. (۱۳۹۸). اهمیت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات در مدیریت بحران شهری. مجله فناوری اطلاعات و مدیریت بحران، ۳ (۱)، ۴۲-۵۸.
۱۴. رحیمی، ا. (۱۴۰۰). هماهنگی بین بخشی در مدیریت بحران شهری: چالش‌ها و راهکارها. پژوهش‌های مدیریت شهری، ۸ (۱)، ۳۱-۴۶.
۱۵. رحیمی، س. (۱۳۹۷). تدوین چارچوب قانونی جامع برای پدافند غیرعامل شهری: ضرورت‌ها و راهکارها. مجله علوم سیاسی و امنیتی، ۴ (۴)، ۲۵-۴۵.
۱۶. رحیمی، ف. (۱۳۹۹). تاب‌آوری اجتماعی و مدیریت بحران در مناطق شهری. مجله جغرافیا و توسعه شهری، ۶ (۱)، ۴۴-۶۰.

۱۷. رستمی، ک. (۱۳۹۶). تأثیر شبکه‌های همکاری بین نهادی بر کیفیت خدمات اضطراری در بحران‌های شهری. پژوهش‌های اجتماعی بحران، ۳ (۴)، ۴۰-۵۵.
۱۸. رضایی، ف. (۱۳۹۸). اهمیت ساختار سازمانی مدیریت بحران در بهبود تاب‌آوری شهری. مطالعات اجتماعی بحران، ۵ (۱)، ۳۰-۴۵.
۱۹. رضایی، ف. (۱۳۹۸). تأثیر کمبود منابع مالی بر تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی شهرها. مجله مطالعات اجتماعی بحران، ۵ (۱)، ۲۰-۳۵.
۲۰. رضایی، م. (۱۳۹۹). چالش‌ها و موانع بهره‌برداری از داده‌های مکانی در شهرداری‌ها. پژوهش‌های شهری و برنامه‌ریزی، ۶ (۱)، ۳۲-۴۵.
۲۱. رضایی، م. (۱۴۰۰). برنامه‌ریزی استراتژیک برای ذخیره‌سازی منابع حیاتی در شرایط بحران. مجله مدیریت بحران، ۷ (۳)، ۲۱-۳۷.
۲۲. رضایی، م. و همکاران. (۱۳۹۷). نقش مشارکت مردمی در ارتقاء تاب‌آوری شهری: رویکردی محله‌محور. مطالعات توسعه شهری، ۴ (۲)، ۷۵-۹۰.
۲۳. شریفی، م. و همکاران. (۱۴۰۱). افزایش تاب‌آوری شهری از طریق مشارکت مردمی و شبکه‌های اجتماعی محلی. مجله توسعه پایدار و مدیریت شهری، ۷ (۲)، ۱۸-۳۵.
۲۴. صدر، ح. (۱۳۹۸). چالش‌های مدیریت بحران‌های هم‌زمان: تحلیل موردی جنگ و بلایای طبیعی. پژوهش‌های مدیریت بحران، ۵ (۱)، ۱۲-۳۳.
۲۵. فرهادی، ر. (۱۳۹۹). نهادهای پایش ریسک‌های شهری با رویکرد داده‌محور. مجله توسعه پایدار و مدیریت شهری، ۲ (۲)، ۲۸-۴۳.
۲۶. کاظمی، س. (۱۴۰۰). مشکلات مالی شهرداری‌ها و تأثیر آن بر تاب‌آوری شهری. پژوهش‌های شهری و توسعه پایدار، ۸ (۱)، ۴۵-۶۰.
۲۷. کاظمی، س. (۱۴۰۰). نقش نیروی انسانی متخصص در تاب‌آوری شهری: موانع و راهکارها. پژوهش‌های توسعه شهری، ۹ (۱)، ۵۰-۶۵.
۲۸. کاظمی، ع. (۱۳۹۹). موانع مشارکت اجتماعی در مدیریت شهری ایران. پژوهش‌های جامعه‌شناسی شهری، ۳ (۱)، ۵۰-۶۵.
۲۹. کریمی، ر. (۱۳۹۹). آموزش و فرهنگ‌سازی در مدیریت بحران شهری. نشریه پژوهش‌های مدیریت شهری، ۵ (۳)، ۷۵-۹۰.
۳۰. کریمی، ر. (۱۴۰۱). بررسی ساختارهای مدیریت بحران در شهرداری‌های ایران. مجله مطالعات مدیریت بحران، ۶ (۳)، ۷۰-۸۸.
۳۱. کریمی، ر. (۱۴۰۱). هماهنگی نهادی در مدیریت بحران شهری: بررسی موانع و راهکارها. مجله علوم مدیریت بحران، ۵ (۳)، ۷۵-۹۲.
۳۲. کریمی، ر. و همکاران. (۱۳۹۷). اهمیت تعامل و هماهنگی بین نهادی در مدیریت بحران‌های شهری. مجله مطالعات مدیریت بحران، ۴ (۲)، ۵۰-۶۷.

۳۳. کریمی، ن. (۱۳۹۹). فناوری‌های نوین و مدیریت بحران‌های هم‌زمان در شهرهای ایران. مجله فناوری و مدیریت شهری، ۶ (۱)، ۵۲-۳۵.
۳۴. کریمی، ن. (۱۴۰۱). مدیریت ارتباطات بحران و اطلاع‌رسانی در شهرداری‌ها: چالش‌ها و راهکارها. مجله ارتباطات و فناوری اطلاعات شهری، ۵ (۱)، ۱۲-۳۵.
۳۵. محمدی، س. (۱۳۹۹). ضعف هماهنگی و مدیریت منابع حیاتی در شهرداری‌ها. پژوهش‌های توسعه شهری، ۴ (۱)، ۴۴-۶۰.
۳۶. محمدی، س. و همکاران. (۱۳۹۹). ارزیابی اثربخشی برنامه‌های آموزش و فرهنگ‌سازی در آمادگی شهروندان. مجله آموزش و توسعه شهری، ۳ (۲)، ۷۸-۹۱.
۳۷. موسوی، ع. (۱۳۹۷). ارزیابی آسیب‌پذیری و تاب‌آوری شهرها در شرایط بحران. پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۵ (۱)، ۴۵-۳۰.
۳۸. موسوی، ع. (۱۳۹۸). نقش داده‌محوری در تصمیم‌گیری‌های مدیریت بحران شهری. مطالعات توسعه پایدار شهری، ۲ (۱)، ۶۵-۵۰.
۳۹. موسوی، ع. (۱۳۹۹). مدیریت پسماند و محیط زیست در بحران‌های جنگی. مجله مدیریت بحران و توسعه پایدار، ۷ (۳)، ۶۳-۴۵.
۴۰. موسوی، ع. (۱۴۰۰). بررسی موانع حقوقی تعامل و هماهنگی شهرداری با نهادهای مرتبط در مدیریت بحران. فصلنامه مطالعات امنیتی، ۶ (۳)، ۵۵-۷۰.
۴۱. موسوی، ع. و احمدی، م. (۱۳۹۸). چالش‌های تبادل اطلاعات و هماهنگی سازمانی در شرایط بحران. پژوهش‌های مدیریت شهری، ۶ (۱)، ۲۵-۴۰.
۴۲. میرزایی، ن. (۱۴۰۰). ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران‌های شهری. مجله مدیریت بحران و توسعه اجتماعی، ۵ (۱)، ۳۳-۵۰.
۴۳. نجفی، ف. (۱۴۰۰). راهکارهای ارتقاء تاب‌آوری شهری از طریق ساختارهای قانونی و هماهنگی بین نهادی. مجله توسعه پایدار شهری، ۹ (۱)، ۱۵-۳۵.
۴۴. نجفی، ف. و همکاران. (۱۳۹۹). تأثیر خلأهای قانونی بر آمادگی شهرداری‌ها در مقابله با بحران‌های امنیتی. پژوهش‌های مدیریت بحران، ۷ (۱)، ۳۵-۵۰.
۴۵. نجفی، م. (۱۳۹۷). استراتژی‌های ارتقاء تاب‌آوری شهری: تجربه‌های داخلی و بین‌المللی. مجله مدیریت بحران و تاب‌آوری، ۲ (۱)، ۷۲-۵۵.
۴۶. نوروزی، ع. و همکاران. (۱۴۰۰). ضرورت ساختارهای یکپارچه در مدیریت بحران‌های چندوجهی. مجله مدیریت بحران و فناوری اطلاعات، ۴ (۲)، ۴۵-۶۰.